****

[اوقات رواتب 2](#_Toc492965287)

[وقت نافله شب 2](#_Toc492965288)

[فرع أول (وقت فضیلت نماز شب) 2](#_Toc492965289)

[نظر صاحب عروه 2](#_Toc492965290)

[أدله 2](#_Toc492965291)

[مناقشه 3](#_Toc492965292)

[جواب از مناقشه 4](#_Toc492965293)

[فرع دوم (طلوع فجر أثناء نماز شب) 4](#_Toc492965294)

[دو مطلب از صاحب عروه 4](#_Toc492965295)

[مناقشه در مطلب أول 5](#_Toc492965296)

[مناقشه أول: ضعف سند أدله 5](#_Toc492965297)

[مناقشه دوم: عدم دلیل بر مخفّفتاً خواندن 6](#_Toc492965298)

[مناقشه سوم: وجود معارض 6](#_Toc492965299)

[مناقشه در مطلب دوم 7](#_Toc492965300)

[جواب أول از مناقشه 8](#_Toc492965301)

[جواب دوم از مناقشه 8](#_Toc492965302)

**موضوع**: وقت /اوقات /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در اوقات نماز‌ها بود که ابتدا اوقات فرائض یومیه بحث شد و بعد استاد وارد بحث اوقات نوافل شدند و مسائل عروه مربوط به وقت نافله ظهر و عصر و وقت نافله مغرب و عشاء و وقت نافله صبح را بررسی کردند. در ادامه استاد وارد بحث وقت نافله شب شدند و حدود چهار جلسه در رابطه با ابتدای وقت نماز شب و أدله مشروعیت نماز شب از ابتدای شب بحث کردند.

[تذکّر مقرّر؛ سعی بر آوردن روایت به صورت کامل است و مقداری که استاد در کلاس درس می خوانند زیرا آن خط کشیده می شود و اگر روایتی بدون خط بود یعنی استاد تمام روایت را خوانده اند.]

قبل از این که بحث أحکام اوقات را شروع کنیم، چند فرع نسبتاً مهم باقیمانده از اوقات نوافل را، بحث می کنیم؛

## اوقات رواتب

## وقت نافله شب

### فرع أول (وقت فضیلت نماز شب)

#### نظر صاحب عروه

راجع به وقت فضیلت نماز شب، صاحب عروه در مسأله 8 فرموده است:

مسألة وقت نافلة الليل ما بين نصفه و الفجر الثاني‌ و الأفضل إتيانها في وقت السحر و هو الثلث الأخير من الليل و أفضله القريب من الفجر‌

به نظر ایشان از نیمه شب وقت مشروعیّت نماز شب شروع می شود. و از قسمت سوم شب و یک سوم آخر شب، مرتبه فضیلت نماز شب شروع می شود و أفضل از این وقت، این است که نماز شب قریب به طلوع فجر خوانده شود.

#### أدله

استدلال ایشان به مثل صحیحه مرازم است؛

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هَارُونَ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَتَى أُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ- فَقَالَ صَلِّهَا آخِرَ اللَّيْلِ- قَالَ فَقُلْتُ فَإِنِّي لَا أَسْتَنْبِهُ- فَقَالَ تَسْتَنْبِهُ مَرَّةً فَتُصَلِّيهَا وَ تَنَامُ فَتَقْضِيهَا- فَإِذَا اهْتَمَمْتَ بِقَضَائِهَا بِالنَّهَارِ اسْتَنْبَهْتَ.[[1]](#footnote-1)

و نیز در موثقه زراره آمده است؛

وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ فِي الصَّلَاةِ- فَقَالَ ثَمَانُ‌ رَكَعَاتِ الزَّوَالِ وَ رَكْعَتَانِ بَعْدَ الظُّهْرِ- وَ رَكْعَتَانِ قَبْلَ الْعَصْرِ وَ رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ- وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ- مِنْهَا الْوَتْرُ وَ رَكْعَتَا الْفَجْرِ- قُلْتُ فَهَذَا جَمِيعُ مَا جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ أَبُو الْخَطَّابِ أَ فَرَأَيْتَ إِنْ قَوِيَ فَزَادَ- قَالَ فَجَلَسَ وَ كَانَ مُتَّكِئاً فَقَالَ إِنْ قَوِيتَ فَصَلِّهَا- كَمَا كَانَتْ تُصَلَّى‌وَ كَمَا لَيْسَتْ فِي سَاعَةٍ مِنَ النَّهَارِ- فَلَيْسَتْ فِي سَاعَةٍ مِنَ اللَّيْلِ- إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ مِنْ آناءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ[[2]](#footnote-2)

در صحیحه اسماعیل بن سعد أشعری چنین آمده است؛ وَ عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ع عَنْ سَاعَاتِ الْوَتْرِ- قَالَ أَحَبُّهَا إِلَيَّ الْفَجْرُ الْأَوَّلُ- وَ سَأَلْتُهُ عَنْ أَفْضَلِ سَاعَاتِ اللَّيْلِ قَالَ الثُّلُثُ الْبَاقِي الْحَدِيثَ.[[3]](#footnote-3)

و در روایتی دیگر فرموده است: ثلاث عشر رکعة فی السحر؛ (نافله فجر را داخل در نماز شب کرده اند لذا سیزده رکعت شده است.)

صاحب عروه سحر را ثلث آخر شب دانسته است و این وقت فضیلت نماز شب است و صحیحه مرازم می گوید أفضل این است که در آخر شب، نماز شب بخواند.

##### مناقشه

اشکالی که به صاحب عروه می شود این است که؛

این مطلب، خلاف صحیحه حلبی است که نقل می کند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی نیمه شب می شد بلند می شد و وضو می گرفت و چهار رکعت نماز شب را می خواند [و حتّی در برخی نقل ها دارد که وقتی یک سوم شب می گذشت (یعنی در ابتدای دو سوم شب) چهار رکعت أول را می خواند] و بعد کمی استراحت می کردند و دوباره بلند می شدند و چهار رکعت دوم را می خواندند.

صحیحه حلبی؛ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- أَمَرَ بِوَضُوئِهِ وَ سِوَاكِهِ- فَوُضِعَ عِنْدَ رَأْسِهِ مُخَمَّراً فَيَرْقُدُ مَا شَاءَ اللَّهُ- ثُمَّ يَقُومُ فَيَسْتَاكُ وَ يَتَوَضَّأُ وَ يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ- ثُمَّ يَرْقُدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَسْتَاكُ- وَ يَتَوَضَّأُ وَ يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ- ثُمَّ يَرْقُدُ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي وَجْهِ الصُّبْحِ- قَامَ فَأَوْتَرَ ثُمَّ صَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ- ثُمَّ قَالَ لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ- قُلْتُ مَتَى كَانَ يَقُومُ قَالَ بَعْدَ ثُلُثِ اللَّيْلِ.[[4]](#footnote-4) (وَضوء: یعنی آب وضو)

یعنی حضرت نزدیکی طلوع فجر نماز شفع و وتر را می خواندند و بعد نافله فجر را می خواندند.

اگر امام علیه السلام نمی فرمود: «و لکم فی رسول الله أسوة حسنة» ممکن بود گفته شود این شیوه از مختصّات پیامبر است ولی با این جمله عمومیّت برای همه فهمیده می شود و با این فتوای صاحب عروه که «أفضل این است که نماز شب در آخر شب اتیان شود» تناسب ندارد زیرا این روایت می گوید شما راه پیامبر را دنبال کنید.

##### جواب از مناقشه

جواب اشکال، این است که؛

مقتضای جمع عرفی این است که بین تفریق نماز شب و أدای نماز شب با هم فرق گذاشته شود؛ اگر شخصی همه نماز شب را با هم می خواند و بین رکعات آن جمع می کند أفضل این است که آخر شب بخواند ولی اگر متفرّقاً می خواند کاری که پیامبر می کرد أفضل است. و در صحیحه حلبی می گوید پیامبر تفریق می کرد و نماز شفع و وتر به آخر شب می افتاد.

مؤیّد این جمع، موثّقه ابن بکیر است؛ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا كَانَ يُحْمَدُ الرَّجُلُ أَنْ يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ- فَيُصَلِّيَ صَلَاتَهُ ضَرْبَةً وَاحِدَةً ثُمَّ يَنَامَ وَ يَذْهَبَ.[[5]](#footnote-5)

ستوده نیست که آخر شب بیاید و نماز شب در آخر شب یکجا و ضربة واحده خوانده شود. یعنی أفضل تفریق است و تفریق همان کاری است که پیامبر می کرد.

وجه عدم دلالت هم این است که شاید «ما کان یجهد الرجل» باشد که در برخی نقل ها آمده است؛ یعنی کار سختی نیست که این کار را انجام دهد و نمی گوییم این کار را انجام دهید. ولی عدم دلالت این روایت مهم نیست و ما مقتضای جمع بین صحیحه حلبی و روایات دیگر را این مطلب می دانیم و این موثقه را به عنوان مؤیّد ذکر کردیم.

### فرع دوم (طلوع فجر أثناء نماز شب)

#### دو مطلب از صاحب عروه

صاحب عروه فرموده است(این فرمایش ظاهرِ مشهور نیز هست)؛

مطلب أول: اگر کسی چهار رکعت از نماز شب را بخواند و اذان صبح شود، بقیّه نماز شب را مخفّفاً بخواند.

مطلب دوم: و اگر نماز شب را یا چهار رکعت قبل از اذان صبح خوانده نشد، نماز شب قضا می شود.

**هر دو مطلب اشکال دارد؛**

#### مناقشه در مطلب أول

##### مناقشه أول: ضعف سند أدله

أمّا مستند مطلب أول روایت ضعیفه‌ای است که هم در فقه الرضا آمده است و هم روایت أبی جعفر الأحول است که هر دو ضعیف اند؛

***روایت فقه الرضا***؛ ...فإن قمت من الليل و لم يكن عليك وقت بقدر ما تصلي صلاة الليل على ما تريد فصلها و أدرجها إدراجا و إن خشيت مطلع الفجر فصل ركعتين و أوتر في الثالثة فإن طلع الفجر فصل ركعتي الفجر و قد مضى الوتر بما فيه و إن كنت صليت الوتر و ركعتي الفجر و لم يكن طلع الفجر فأضف إليها ست ركعات و أعد ركعتي الفجر و قد مضى الوتر بما فيه و إن كنت صليت من صلاة الليل أربع ركعات قبل طلوع الفجر فأتم‌ الصلاة طلع الفجر أم لم يطلع و إن كان عليك قضاء صلاة الليل فقمت و عليك من الوقت بقدر ما تصلي الفائتة من صلاة الليل و صلاة ليلتك فابدأ بالفائتة...[[6]](#footnote-6)

***روایت أبی جعفر الأحول***: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ النَّحْوِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا كُنْتَ أَنْتَ صَلَّيْتَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ- قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ طَلَعَ أَمْ لَمْ يَطْلُعْ.[[7]](#footnote-7)

فقه الرضا معلوم نیست کتاب حدیث باشد بلکه کتابی است که در فقه تألیف شده است و برخی مثل آقای سیستانی معتقد‌اند که این کتاب، همان کتاب شلمغانی است و برخی معتقد‌اند که کتاب پدر صدوق است.

و در سند روایت أبی جعفر الأحول نیز «أبوالفضل النحوی» است که توثیق ندارد.

اگر سند خوب باشد یا از باب تسامح در أدله سنن تصحیح شود، دلالت آن مشکل ندارد؛

**زیرا این شبهه که**: «أتمّ الصلاة ظهور ندارد در این که أداء است و محتمل است که قضایی باشد که نهی ندارد بر خلاف آن که نماز شب بعد از دخول وقت صبح خوانده شود که نهی دارد و مصداق لاتطوّع لمن علیه الفریضة است.»

**خلاف ظاهر است**: و ظاهر این است؛ «فأتمّ الصلاة کما بدأتَ» یعنی به همان نحوی که نماز می خواندی و شروع کردی، که أداء بود، تمام کن.

**علاوه بر این که، این شبهه ثمره عملی هم ندارد زیرا؛** قضا و أداء عنوان قصدی نیستند و بالآخره أمر به اتمام وجود دارد هر چند استظهار ما این است که أمر، أدایی است.

مشکل تنها در سند روایت است و عمل مشهور جبر سند نمی کند خصوصاً این که در مستحبّات است و شاید عمل مشهور از باب تسامح در أدله سنن باشد.

##### مناقشه دوم: عدم دلیل بر مخفّفتاً خواندن

**اشکال دوم به صاحب عروه این است که؛**

ظاهر عبارت ایشان این است که مشروعیّت به این است که مخفّفتاً بخواند؛ به این که سوره را نخواند یا قنوت را مختصر بخواند یا أصلاً نگیرد، و این مطلب صحیح نیست زیرا در روایت نیامده است و این مطلب دلیل ندارد.

##### مناقشه سوم: وجود معارض

بر فرض سند روایت أبی جعفر الأحول تمام باشد کما این که مشهور تمام دانسته اند؛ مرحوم خویی فرموده است باز اشکال دیگری وجود دارد و آن وجود معارض است؛

روایت یعقوب بزّاز: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ يَعْقُوبَ الْبَزَّازِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَقُومُ قَبْلَ الْفَجْرِ بِقَلِيلٍ- فَأُصَلِّي‌ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ- ثُمَّ أَتَخَوَّفُ أَنْ يَنْفَجِرَ الْفَجْرُ- أَبْدَأُ بِالْوَتْرِ أَوْ أُتِمُّ الرَّكَعَاتِ- فَقَالَ لَا بَلْ أَوْتِرْ وَ أَخِّرِ الرَّكَعَاتِ- حَتَّى تَقْضِيَهَا فِي صَدْرِ النَّهَارِ.[[8]](#footnote-8)

راوی می گوید چهار رکعت نماز شب خوانده ام و می ترسم اذان صبح شود آیا نماز شب را ادامه دهم یا نماز شفع و وتر را قبل از اذان صبح بخوانم؟ حضرت می فرماید ادامه ندهید و نماز شفع و وتر را بخوان و بقیه را در صدر نهار بخوان.

و این روایت با روایت أبی جعفر الأحول که می گفت؛ «فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ طَلَعَ أَمْ لَمْ يَطْلُعْ» معارض است.

البته آقای خویی فرموده اند که سند این روایت هم ضعیف است زیرا در سند آن محمد بن سنان است ولی اگر اشکال سندی بخواهیم بگیریم سند روایت أبی جعفر الأحول هم اشکال دارد و اگر بحث تسامح در أدله سنن است و اشکال سندی نمی گیریم دو روایت با هم معارض اند.

###### جواب از مناقشه سوم

**این اشکال آقای خویی ناتمام است زیرا؛**

مورد این روایت فرق می کند و روایت یعقوب بزّاز نمی گوید که چهار رکعت نماز شب خواندم بعد صبح طلوع کرد بلکه می گوید خوف دارم اذان صبح شود یعنی هنوز اذان صبح نشده است و می ترسم اگر چهار رکعت دیگر را بخوانم و بعد بخواهم نماز شفع و وتر را بخوانم، نماز شفع و وتر به بعد از اذان صبح بیفتد. نماز شفع و وتر را قبل از اذان صبح بخوانم یا نماز شب را ادامه دهم و نماز شفع و وتر را بعد از اذان صبح بخوانم. امام علیه السلام در این فرض، فرمود نماز شفع و وتر قبل از طلوع فجر مقدم است بر این که نماز شب را ادامه دهی.

و این با روایت أبی جعفر الأحول فرق می کند که ظاهر آن این است که بعد از خواندن چهار رکعت فجر طلوع کرده است «طلع الفجر» و دیگر فرصتی برای خواندن نماز شب وجود ندارد.

لذا این روایات با هم تعارضی ندارند. لاأقل مورد روایت یعقوب بزّاز أخصّ است و در جایی است که هنوز طلوع فجر نشده است و می توانم نماز شفع و وتر را قبل از طلوع فجر بخوانم. ولی فرض روایت أبی جعفر الأحول این نیست که می شود نماز شفع و وتر را قبل از طلوع فجر خواند؛ بلکه یا ظاهر است در این که بعد از چهار رکعت نماز شب طلوع فجر شده است و یا لاأقل مطلق است و قابل جمع عرفی است.

#### مناقشه در مطلب دوم

أمّا راجع به مطلب دوم که صاحب عروه فرمود: اگر چهار رکعت نماز شب را نخوانده است نماز شب را رها کند و نافله صبح و فریضه صبح را بخواند و بعد نماز شب را قضا کند و أفضل این است که عند ارتفاع النهار قضا کند. و عبارت مطلق است و شامل صورتی که هنگام اذان صبح از خواب بیدار شد نیز می شود.

این مطلب هم اشکال دارد زیرا در برخی روایات صریحاً آمده است که اگر نماز شب نخواندی و هنگام اذان صبح از خواب بیدار شدی ابتدا نماز شب بخوان و بعد نماز صبح را بخوان؛

صحیحه سلیمان بن خالد؛ عَنْهُ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع رُبَّمَا قُمْتُ وَ قَدْ طَلَعَ الْفَجْرُ فَأُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ الْوَتْرَ وَ الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ ثُمَّ أُصَلِّي الْفَجْرَ قَالَ قُلْتُ أَفْعَلُ أَنَا ذَا قَالَ نَعَمْ وَ لَا يَكُونُ مِنْكَ عَادَةً[[9]](#footnote-9).(وتر وقتی مطلق می آید یعنی سه رکعت که شامل شفع و وتر می شود)

##### جواب أول از مناقشه

شاید وجه این که صاحب عروه به مفاد این صحیحه فتوا نداده این باشد که؛ این مطلب که امام علیه السلام برای نماز شب خواب بماند را خلاف أصول مذهب دانسته است.

###### اشکال

ولی به نظر ما خیلی واضح نیست که منافی با أصول مذهب باشد. شرایط بیماری و خستگی مفرط وجود دارد و أئمه برای مردم اسوه هستند. تا مردم هم اگر یکبار از نماز شب خواب ماندند فکر نکنند عذاب نازل شده است بلکه این، أمری است که ممکن است برای اولیاء الله و بزرگان اتّفاق بیفتد. اتّفاقاً در روایت داریم که پیامبر و أصحاب در جنگ، برای نماز بیدار نشدند«أنا أنیمک و أنا أوقظکَ» در روایت دارد که تا مردم هم یاد بگیرند چه کنند یعنی پیامبر برای مردم الگو بودند.

##### جواب دوم از مناقشه

اشکال دومی که در نظر صاحب عروه بوده است این است که؛

شاید این روایت را با برخی روایات معارض دیده است زیرا در برخی روایات صریحاً گفته اند که نماز صبح را بخوان؛

صحیحه اسماعیل بن جابر؛ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أُوتِرُ بَعْدَ مَا يَطْلُعُ الْفَجْرُ قَالَ لَا.[[10]](#footnote-10)

نماز شفع و وتر را بعد از طلوع فجر بخوانم. حضرت فرمود: خیر.

در صحیحه سعد بن سعد چنین دارد که؛ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ- عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي بَيْتِهِ وَ هُوَ يُصَلِّي- وَ هُوَ يَرَى أَنَّ عَلَيْهِ لَيْلًا ثُمَّ يَدْخُلُ عَلَيْهِ الْآخَرُ مِنَ الْبَابِ- فَقَالَ قَدْ أَصْبَحْتَ هَلْ يُصَلِّي الْوَتْرَ أَمْ لَا أَوْ يُعِيدُ شَيْئاً مِنْ صَلَاتِهِ قَالَ يُعِيدُ إِنْ صَلَّاهَا مُصْبِحاً.[[11]](#footnote-11)

فکر می کند شب ادامه دارد و شخصی به او می گوید«قد أصبحت» یعنی صبح به خیر. اذان صبح شده بود. حضرت می فرماید اگر نماز شب را بعد از اذان صبح خوانده است همان نماز شب را که فکر می کرد قبل از اذان می خواند بعد فهمید بعد از اذان خوانده است باید اعاده کند.

گفته می شود که: صحیحه سلیمان بن خالد که می گفت اشکالی ندارد بعد از اذان صبح نماز شب خوانده شود طرف معارضه با این دو روایت است.

مرحوم خویی در اینجا فرموده است که قبول دارم این دو روایت با هم تعارض می کنند. ولی در مقام سه خطاب داریم و انقلاب نسبت رخ می دهد و نتیجه انقلاب نسبت این می شود که اگر شخص تا اذان صبح خواب بماند می تواند هنگام اذان صبح نماز شب را بخواند. ولی اگر خواب نبود و سهل انگاری کرد تا اذان صبح شد در این صورت نمی تواند نماز شب را بعد از اذان صبح بخواند. یعنی تنها مجوّز خواندن نماز شب بعد از نماز شب خواب ماندن است.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص256، أبواب مواقیت، باب45، ح6، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/256/آخر) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص60، أبواب اعداد فرائض، باب14، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/60/ثلاث) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص272، أبواب مواقیت، باب54، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/272/الثلث) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص270، أبواب مواقیت، باب53، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/270/یرقد) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص271، أبواب مواقیت، باب53، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/271/ضربة) [↑](#footnote-ref-5)
6. الفقه - فقه الرضا، ص: 139‌ [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص260، أبواب مواقیت، باب47، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/260/الأحول) [↑](#footnote-ref-7)
8. همان [↑](#footnote-ref-8)
9. تهذيب الأحكام، ج‌2، ص: 339‌ [↑](#footnote-ref-9)
10. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص259، أبواب مواقیت، باب46، ح6، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/259/اوتر) [↑](#footnote-ref-10)
11. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص259، أبواب مواقیت، باب46، ح7، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/259/أصبحت) [↑](#footnote-ref-11)